

<span><span><span></span></span></span>
چهارشنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۳
<div><div><span><span>۱۶</span></span></div><div><div>FDN</div></div></div>
شماره ۴۱۵۴
<span><span><span></span></span></span>
www.fdn.ir
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY

<span><span><span></span></span></span>
<div><div><span><span>۱۶</span></span></div><div><div>FDN</div></div></div>
شماره ۴۱۵۴
<span><span><span></span></span></span>
www.fdn.ir
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY

<span><span><span></span></span></span>
<div><div><span><span>۱۶</span></span></div><div><div>FDN</div></div></div>
شماره ۴۱۵۴
<span><span><span></span></span></span>
www.fdn.ir
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY

<span><span><span></span></span></span>
<div><div><span><span>۱۶</span></span></div><div><div>FDN</div></div></div>
شماره ۴۱۵۴
<span><span><span></span></span></span>
www.fdn.ir
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY

<span><span><span></span></span></span>
<div><div><span><span>۱۶</span></span></div><div><div>FDN</div></div></div>
شماره ۴۱۵۴
<span><span><span></span></span></span>
www.fdn.ir
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY

<span><span><span></span></span></span>
<div><div><span><span>۱۶</span></span></div><div><div>FDN</div></div></div>
شماره ۴۱۵۴
<span><span><span></span></span></span>
www.fdn.ir
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY

<span><span><span></span></span></span>
<div><div><span><span>۱۶</span></span></div><div><div>FDN</div></div></div>
شماره ۴۱۵۴
<span><span><span></span></span></span>
www.fdn.ir
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY

<span><span><span></span></span></span>
<div><div><span><span>۱۶</span></span></div><div><div>FDN</div></div></div>
شماره ۴۱۵۴
<span><span><span></span></span></span>
www.fdn.ir
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY

<span><span><span></span></span></span>
<div><div><span><span>۱۶</span></span></div><div><div>FDN</div></div></div>
شماره ۴۱۵۴
<span><span><span></span></span></span>
www.fdn.ir
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY

<span><span><span></span></span></span>
<div><div><span><span>۱۶</span></span></div><div><div>FDN</div></div></div>
شماره ۴۱۵۴
<span><span><span></span></span></span>
www.fdn.ir
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY

**حمید ملکزاده** **پژوهشگر اندیشه‌های سیاسی**

فلسطین و آرمیان فلسطین برای ایران مهم است؛ هم به عنوان یک دولت- ملت، و هم به‌عنوان یک مردم. درباره اهمیت دفاع از آرمیان فلسطین برای ما در مقام یک واحد سیاسی باید در جای دیگری، و به‌طور دقیق‌تر و مفصل‌تری صحبت کنیم. این موضوعی است که نه در حوصله این یادداشت کوتاه می‌گنجد و نه نویسنده آن از دانش کافی برای نوشتن درباره آن برخوردار است. آنچه باقی می‌ماند بحث درباره اهمیت فلسطین و آرمانش برای ما به‌عنوان یک مردم است. مردمی که در یک وضعیت فرضی از رابطه تاریخی و انضمامی‌اش با حکومت، سرزمین و موضوع حاکمیت‌انتزاع شده، و در دادگاه خیال می‌خواهد به موضوعی انسانی از چشم‌انداز ارزش‌های عام و مشترکی که می‌شود درباره آن توافق کرد صحبت کند. گفت‌وگویی خیالی که می‌شود از آن به‌عنوان آیینهِ خیالی بزرگی یاد کنیم که در مقابل ما گرفته شده تا در آن خودمان را ببینیم و مورد ارزیابی قرار دهیم. همین‌طور می‌شود فلسطین، و موضعی که درباره آن داریم را به‌عنوان محیط فراخ و متنوع یک جور آرمایشگاه اجتماعی در نظر بگیریم که در آن به مطالعه درباره خصوصیات زمان‌شناسی ما به‌عنوان یک مردم مشغول هستند. در این یادداشت کوتاه به‌بانه آغاز حملات ارتش رژیم صهیونیستی به رفح، و فوجاع انسانی مداومی که توسط «سازمان کودک‌کش» اسرائیل در جای جای سرزمین‌های اشغالی اتفاق می‌افتد، تلاش می‌کنم به این موضوع بپردازم که «چرا فلسطین برای ما از اهمیت برخوردار است.»

### طرح موضوع: مساله چیست؟

برای اینکه خودمان را با پیچیدگی‌ها و لفاظی‌های مرسوم در نوشته‌های مرسوم درگیر نکنیم، در ابتدای امر تلاش خواهم کرد تا توصیف مختصری از موضوع ارائه کنم؛ توصیفی که در بخش‌های بعدی مبنای چیزهایی خواهد بود که درباره آنها صحبت خواهم کرد. برای ارائه‌کردن این توصیف تلاش می‌کنم تا شرحی به‌غایت انتزاعی از موضوع ارائه کنم. یعنی تلاش می‌کنم تا در حد امکان روایتی از موضوع ارائه کنم که در آن سوگیری‌های ارزشی و نام‌گذاری‌های جهت‌دار در کمترین حد ممکن آورده شده باشند.

در گوشه‌ای از زمین، مردمی بی‌جا شده، در بناهگاه‌های موقتی اسکان داده شده‌اند. در گوشه‌ای از زمین با تراکم جمعیتی بسیار زیاد که در آن کودکان، زنان مردان باکیفیت‌های خشن ایدمانی، جنسی و جنسیتی زندگی می‌کنند. در میان این مردم، گروهی هستند که با امکانات کم و عده‌ای محدود تلاش می‌کنند تا حق در میان‌شان بر سرزمین، و حق تعیین سرنوشت مردمان‌شان دفاع کنند. حقوقی که در یک معنا بنیان هویت جمعی مردمانی که از آنها صحبت کردیم را تشکیل می‌دهد. از این جهت، پیوندی هویتی میان آن مردم و این بخش از جمعیت برقرار است؛ تا جایی که امکان حذف آن گروه، بدون از میان بردن همه اعضای این مردم ممکن نیست. به همین خاطر دشمنی که مسئولیت بی‌جاکردن و زردون حقوق بنیادین این مردم را برعهده دارد قصد می‌کند تا به‌بهانه مبارزه با گروه مقاومتی که به نام این مردم مبارزه می‌کند، ضمن از میان بردن این مردم، و اخراج اجباری آنها از سرزمینی که به ایشان تعلق دارد، آرمیان یا ایده‌های هویتی آنها را از میان ببرد. این امر برای دشمن موردبحث بدون حمله مستقیم به محل اجتماع مردمانی که حاملان حق بر سرزمین هستند امکان‌پذیر نیست. از آنجایی‌که تحقق خواسته‌های دشمن این مردم جز با نابودی همه افراد ساکنان آن سرزمین ممکن نیست، در جنگی که برای از میان‌بردن تمامیت یک مردم انجام می‌شود، سلاح‌های به‌کاررفته‌شده برای هدف کشتار جمع زیادی از مردم غیرنظامی، به‌ووفور، و با گشاده‌دستی زیاد مورداستفاده قرار می‌گیرند. در یک صحنه نمایش فرضی، ما، در مقام یک گروه انسانی واحد، اگر چه در کیفیات شخصی متکثر، ماجرای این تهاجم، و آن مقاومت را با صحنه‌های دلخراشی که دارد مشاهده می‌کنیم؛ و هر کدام به نحوی درباره آنها موضعی اتخاذ می‌کنیم. موضعی که به‌طورکلی بیش از آنکه چیزی درباره موضوع مشاهده ما ارائه می‌کند، مبین چیزهایی درباره ما، به‌عنوان موجودات انسانی است؛ مبین چیزهایی درباره ما به‌عنوان موجوداتی انسانی و ارزش‌های اخلاقی خاصی که خودمان را به اعتبارشان تعریف کرده یا می‌فهمیم.

### اهمیت اخلاقی فلسطین برای ما

در بخش قبل یک وضعیت انسانی خاص را توصیف کردیم و صحبت‌های خودمان را این‌طور به پایان رساندیم که مواضع ما درباره این وضعیت خاص، بیانگر چیزی درباره آن مشخصات اخلاقی است که مدنیت ما به‌عنوان انسان‌هایی که با یکدیگر زندگی می‌کنیم را برمی‌سازد. در چند ماه گذشته و در سرزمین‌های اشغالی صحنه‌ای که در بالاتوصیف کردیم بی‌وقفه در حال رخ دادن است. میانبارن هر روزه بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس، مساجد و دیگر اماکن عبادت خداوند متعال شرایطی را به وجود آورده که تحت‌تأثیر آن مجموعه گسترده‌ای از افراد با گرایش‌های سیاسی، هویت‌های فرهنگی و علایق مذهبی متفاوت نسبت به آن واکنش نشان داده‌اند. جامعه ایرانی نیز تا حد زیادی با اعتراضات بین‌المللی نسبت به خشونت وحشیانه ارتش رژیم صهیونیستی نسبت به ساکنان اصلی فلسطین همراه بوده، و جریان اصلی افکار عمومی در میان ایرانیان این خشونت بی‌محابا را محکوم کرده

است. بااین‌وجود بخشی از جامعه فارسی‌زبان که عموماً در بیرون از ایران زندگی کرده و در میان جناح‌های مخالف با نظام سیاسی حاکم بر ایران قرار می‌گیرند، گاهی صریح‌تر و بی‌رحم‌تر از سخنگویان ارتش رژیم صهیونیستی، به توجیه جنایات جنگی پذیرفته‌شده در محافل حقوقی و سیاسی بین‌المللی توسط رژیم جعلی اسرائیل پرداخته‌اند. ازآنجایی‌که بخشی از فارسی‌زبانان به‌طور عمده مدنیان آزادی و حقوق بشر و مدعیان آینده ایران هستند، بحث درباره دلالت‌های سیاسی و اخلاقی موضع‌گیری‌های ایشان برای ما در ایران از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است. بحث درباره این دلالت‌های سیاسی و اخلاقی را بعد از ارائه توضیح مختصری درباره آنچه امروز در این زمینه جریان دارد پیش خواهیم برد.

### چشم‌های جهان نگران رفح هستند

در روزهای اخیر و بعد از حمله وحشیانه ارتش رژیم اشغالگر صهیونیستی به اردوگاه پناهجویان در رفح، پوششی در شبکه‌های مجازی راه افتاد که در آن از تصویری با نوشته «همه چشم‌ها نگران رفح» استفاده شده بود. این پوشش که بیش از ۴۰ میلیون نفر در آن مشارکت داشتند، با استقبال ایرانیان زیادی مواجه شد. به‌طور معمول رسانه‌های فارسی‌زبان حامی صهیونیست در مواجهه با این جنایت خط فکری تزییق‌شده از سوی ارتش رژیم اشغالگر قدس را به جامعه تزریق کردند: حمله اسرائیل به اهداف نظامی تحت‌تأثیر پوشش نظامی غیرنظامیان در منطقه باعث انفجار زاغه مهمات حماس و آتش‌سوزی در چادرهای آوارگان فلسطینی شد. این ادعایی است که هر بار سازمان کودک‌کش صهیونیست برای توجیه جنایات خود مطرح می‌کند. فوجاعی که درمورد بیمارستان‌ها، مدارس و دیگر مکان‌های امن در سرزمین‌های اشغالی با این بهانه رقم زده شده بیرون از شماره هستند. هر بار نیز تحقیقات بین‌المللی بیشتر تهی بودن ادعای صهیونیست‌ها را تأیید کرده است.

بااین‌وجود در این مورد خاص، تنها تکرار د عاوی رژیم جعلی اسرائیل از طریق رسانه‌های فارسی‌زبان حامی صهیونیست را شاهد نبودیم؛ بلکه با دو عمل مشخص سرورکار داشتیم‌که تلاش می‌کردند تا محل تمرکز فعالان سیاسی واجتماعی و به‌تبع آن عموم مردم ایران را تغییر دهند مواجه بودیم. یکی انتشار همان تصویری طرح‌هایی از نشته ایران که با جمله «همه چشم‌ها نگران ایران هستند» همراه شده بود؛ و دیگری کاریکاتوری از رئیس‌جمهور روسیه با محوریت منازعات جاری میان روسیه و اوکراین که بر جابه‌جایی محل وقوع جنایات جنگی و عاملانش تمرکز کرده بود. این دو نمونه از چند جهت برای ما از اهمیت برخوردار هستند. چراکه قبل و پیش از هر چیز متضمن وجوه متفاوتی از یک دعوت عام سیاسی هستند. یعنی باید هر دوی آنها را به‌عنوان وجوه متفاوت یک خط فکری یا یک دعوت سیاسی مشخص فهمید. اولین آنها که توسط برخی پژوهشگران لیبرال منتشر شده و به‌طور ویژه‌ای موردتوجه قرار گرفته بود فهمی انتزاعی از ملی‌گرایی استوار است. یعنی دعوتی است به خود، و ادعا می‌کند «شهروند ایران باید بیش از هر چیز، تنها و تنها دل‌نگران ایران باشند.» اینکه می‌گویم فراخوانی موجود در تصویر اول بر فهمی انتزاعی از ملت و امر ملی استوار است به این خاطر است که هویت ملی و نفس ملت را به‌عنوان چیزی متنوع از واقعیت جاری در جهان پیرامون و در مقام یک نام صورت‌بندی کرده است. اجازه بدهید تا این موضوع را بیشتر مورد بررسی قرار دهیم.

### ایران هستی خودآیینی که از خود دفاع می‌کند

دغدغه ایران و دعوت به نگرانی درباره آن دغدغه‌ای شریف و شریف‌ترین دغدغه‌هاست. بااین‌وجود نباید این موضوع را از یاد برد که ایران یک نام تهی نیست. ایران نامی است که برای محدوده جغرافیایی مشخصی با شهروندان خاص و یک نظام سیاسی مستقر به کار می‌رود. آنچه امروز ایده ایران را پرکرده و هستی انضمامی آن را نمایندگی می‌کند یک نظام سیاسی مستقر است که ضمن تقویت ابزارهای نظامی و دیپلماتیک خود، در حد مقدورات بین‌المللی به خوبی از پس تأمین امنیت خود و شهروندانش در مقابل تجاوز دولت‌های خارجی برآمده است. نمونه واضح این امر را در عملیات «وعده صادق» می‌توانیم مشاهده کنیم؛ جایی‌که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به خوبی قدرت و توان نظامی خود را به دشمن خارجی نشان دادند تا ضمن برقراری شکل تازه‌ای از موازنه نگرانی شهروندان از قطع دشمن خارجی رافع‌کرده و زمینه‌ساز دلگرمی ایشان شوند. تا جایی که به دشمن خارجی برمی‌گردد، ایران امروز در امنیت به سر می‌برد و همواره برای گسترده‌کردن امکانات دیپلماتیک و نظامی مربوط به حفظ و افزایش میزان این امنیت، به شکل معناداری دست به اقداماتی مؤثر زده است. تأکید بر اجرای مؤثر سیاست‌های مبتنی بر حسن هم‌جواری با کشورهای منطقه در سال‌های گذشته که توسط وزارت امور خارجه تحت امر شهید عبداللهیان دنبال می‌شد، مهم‌ترین دقیقه از تلاش برای افزایش قدرت امن ایران با استفاده از ابزارهای نرم در محیط پیرامونی خود بود؛ فعالیت‌هایی که باعث افزایش توان دفاعی ایران در اجرای عملیات وعده صادق در دفاع از ایران و ایرانیان شدند. از این جهت دعوت به نگرانی برای ایران، در موضعی که بخش عمده‌ای از مردم ایران و دستگاه دیپلماتیک کشور با آن درگیر است وقتی با طرفیت دولتی خارجی که به‌وضوح به اهداف و منافع

واقعی ایران تجاوز کرده و عالی‌ترین فرماندهان نظامی نیروهای مسلح ایرانی را به شهادت رسانیده، احتمالاً ناشی از عدم توانایی مرجعان آن از فهمیدن ایران به‌عنوان یک واقعیت موجود و یک هستی فعال در یک محیط پیرامونی مشخص است. ایرانی که در این فراخوان به آن دعوت می‌کنند تنها یک نام است؛ نامی تهی که محتوای آن را از طریق بحث درباره تصویر دومی که از آن صحبت کردیم مشخص می‌کنیم.

### ایران؛ نامی بیرون از مناسبات شرقی و غربی

تصویر دومی که در تکمیل خط رسانه‌های صهیونیستی شبکه‌های فارسی‌زبان طرفدار رژیم اشغالگر قدس درباره جنایات جنگی جدید ارتش رژیم صهیونیستی در رفح منتشر شد، کاریکاتوری بود که به موضوع منازعات میان دولت اوکراین و روسیه می‌پرداخت. در این کاریکاتور رئیس‌جمهور روسیه درحالی‌که با دهانی خویزن تکه‌هایی از خاک اوکراین را در دست گرفته به‌تصویر کشیده شده است. این تصویری است که بناست برای مخاطبانش یادآور این موضوع باشد که «جنایات جنگی در جای دیگری از عالم و توسط کسانی دیگر درحال رقم خوردن هستند.» به بیان دیگر احتمالاً با این هدف کشیده و منتشر شده است که به‌شما یادآوری «اگر واقعاً قصد پرداختن به موضوع جنایات جنگی را دارید، چرا فقط بر جنایات اسرائیل در فلسطین متمرکز باشیم، نگاهی هم به اقدامات روسیه ببیندازیم.» تا اینجای کار این فراخوانی سیاسی است و مخاطبانش احتمالاً دل‌نمردان جمهوری اسلامی ایران هستند، حتی می‌شود آن را به‌عنوان فراخوانی همراستا باسیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران درقبال موضوع اوکراین و منازعات بین‌دولتی جاری در آنجا به حساب آورد؛ چراکه دولت ایران براساس سیاست اصولی خود، ضمن حفظ بی‌طرفی در منازعات جاری در آن بخش از جغرافیای جهان همواره طرفین مناقشه را به تلاش برای حل دیپلماتیک اختلافات خود دعوت کرده و البته توصیف خود از شرایط حاکم بر آن منازعات نظامی را نیز ارائه کرده است. با وجود این اگر بخواهیم محتوای این کاریکاتور و زمان انتشار آن را درکنار تصویری در نظر بگیریم که در بخش قبلی از آن صحبت کردیم می‌توانیم این‌طور استنباط کنیم دغدغه‌ای که در این طرح به‌تصویر کشیده شده، احتمالاً می‌تواند محتوای لازم برای بر کردن ایده تهی ایران در تصویر اول را پر کند. اگر این همپوشانی را درست بدانیم، آن وقت می‌توانیم بگوییم ایرانی‌که بناست چشم‌هایمان نگرانش باشند، سرباز چشم‌گوش بسته جبهه غربی عالم است. اینکه اصل صحبت‌کردن از چیزی به نام جبهه‌های غربی و شرقی به‌معنای جنگ سردی آن ممکن است یا نه، در اغراقی که کرده بودم نادیده گرفته شده، یعنی «دولت نرمالی است که حق داوری ناشی از خود آیینی خودش درباره مسائل بین‌المللی را نادیده گرفته و آن را به جریان اصلی رسانه‌های متأثر از دولت‌های لیبرال واگذاشته و هر لحظه آماده‌ساز تا به به‌عنوان دل‌اندام منطقه در دفاع از این ارزش دست به اقدامات لازم بزند.» دولتی که بناست رسانه‌هایش در خدمت منافع جبهه دولت‌های لیبرال قرار بگیرد؛ و هنرمندانش می‌توانند مسائل مربوط به همسایه شمالی خودشان را که البته باید آن را به‌عنوان رقیبی مؤثر در سیاست بین‌الملل فهمید، به نفع جنایات دشمنی منطقه‌ای- که به‌وضوح و در عمل علیه منافع واقعی و شهروندان خودش دست به اقدامی جنایتکارانه زده- برحسنت کنند. احتمالاً این محتوای آن ایران است و اگر راستش را بخواهید، با توجه همه جوانبی که درباره این‌د و تصویر وجود دارند، همه باید با چشم‌مانی نگران به ایران نگاه کنیم؛ ایرانی‌که یک لحظه ممکن است به اسارت تصوراتی دربیاید که بدون اینکه مدافعان‌شان بداندند، از راست‌گراترین گرایش‌های محافظه‌کاری آمریکایی ریشه گرفته‌اند.

### به مساله اصلی بازگردیم

#### ارزش‌ها در میدان متولد می‌شوند

در ابتدای این یادداشت گفته بودم بنا دارم دلالت‌های مواضع برخی فارسی‌زبانان درقبال فوجاع جاری در فلسطین اشغالی را مورد بررسی قرار دهم. در همان بخش نخست تلاش کردم طرحی اجمالی اما روشن از آنچه را در سرزمین‌های اشغالی جریان دارد به‌تصویر بکشم و این‌طور ادعاکردم که این تصویر درست به آینه‌ای می‌ماند که ما در مقام مردم خودمان را در آن مشاهده می‌کنیم. فرض کنید مطالعه درباره این مواجهات موضوع یک پژوهش میدانی درباره روانشناسی سیاسی و اجتماعی ایرانیان باشد. در این آزمایش میدانی، در آزمایشگاهی که بزرگی فلسطین اشغالی و با تراکم جمعیت غریب، رفح و دیگر بخش‌های سرزمین‌های فلسطینی، گروهی به شکل سیستماتیک درحال به‌قتل رسانیدن و شکنجه‌کردن گروه دیگری از انسان‌ها هستند؛ گروه اول به جدیدترین روش‌ها و موثرترین ابزار قتل و شکنجه مجهز هستند و عمل شکنجه را به شکلی سیستماتیک و بی‌وقفه به‌عنوان مجموعه‌ای از افرادی که از بیرون به تماشای این صحنه دعوت شده‌ایدا اجازه می‌دهند تا از طریق یادداشت‌های روزنامه، به اشتراک گذاشتن عکس و ویدئو در صفحات مجازی، طراحی کاریکاتور و ابزار متنوع دیگری

حمایت اپوزیسیون ایرانی از اسرائیل بیانگر ارزش‌های عام آنها درباره تشکیل حکومت و حد و میزان استفاده از زور در مواجهه با دیگران است

# چرا فلسطین برای ما مهم است؟



موضع و احساس خودتان در باره این تجربه را با دیگران به اشتراک بگذارید. آنچه شما در این باره به اشتراک می‌گذارید بیانگر ارزش‌های عامی است که به آن اعتقاد دارید، یعنی ارزش‌های عامی که درباره تشکیل حکومت، نحوه برخورد با دیگران، حد و میزان استفاده از زور در مواجهه با دیگران، حدود و معیارهای تعریف انسان، و جنایت علیه بشریت و میزان اراده شما برای دفاع از این ارزش‌ها در ذهن دارید.

هر بار و در هر قدمی که درباره این صحنه و مشاهداتی که در آن داشتید برمی‌دارید، چیزی با این محتوا تولید می‌کنید: «من کسی هستم که…»، یا «من معتقدم هستم که…» یا «اگر من در موقعیت گروه اول قرار بگیرم، …کار را انجام می‌دهم.» همه اینها بدون توجه به مسائل ایدئولوژیک یا سیاسی جاری در کشور، از شما تصویری را به‌نمایش می‌گذارد که می‌شود به اعتبار آن، به شکل معناداری درباره شما و مبانی اساسی و اخلاقی‌تان چیزهای معناداری گفت. این‌مانند این است که بگوییم درواقع شما چیزی جز محتوای مواضعی نیستید که درباره این مشاهده خاص دارید. از این جهت می‌توان این‌طور گفت که می‌توان فارغ از همه دعای نظری روشن یا مبهمی که در سطح زبان درباره اخلاق و سیاست دارید، مبانی حقیقی تشکیل‌دهنده هویت سیاسی و شخصیت اخلاقی شما را از محتوای این مواضع استخراج کرد؛ زیرا همان‌طور که در عنوان این بخش آورده‌ام، در تحلیل نهایی ارزش‌های اخلاقی و مبانی سیاسی در میدان متولد می‌شوند. اگر همه آنچه را تا اینجا آورده‌ام بپذیرید، آنگاه تصدیق خواهید کرد مواضع برخی فارسی‌زبانان داخل یا خارج از ایران، مخصوصاً آنهایی که دعای مشخصی درباره فرمای ایران بعد از جمهوری اسلامی ایران دارند، متضمن دلالت‌های خطرناکی است که باید بیش از همیشه درنظر داشته باشیم. شما از فلان تلویزیون فارسی‌زبانی که با منابع مشکوک خارجی تغذیه می‌شود، و نظر کارشناسان و مجرانی که یا به‌خاطر نفرت شخصی از نظام سیاسی حاکم بر ایران یا به‌خاطر منافع مالی مشخص ممکن است در مسیر تبلیغ سیاست‌ها و مواضع دولت‌های غربی حرکت کنند، انتظار زیادی نمی‌توانید داشته باشید. آنها به‌هرحال کارگران روزمزد و کارمندان موجب بگزیند. اصلاً باید حتی از کارفرمایان خود در تبلیغ ارزش‌های مبتنی بر منافع دولت‌های غربی سمج‌تر باشند تا بتوانند کارفرمایان‌شان را متقاعد کنند که هزینه مادی خرج شده برای اداره امور ایشان آورده‌های مشخصی در تأمین منافع‌شان داشته است، اما وقتی کسی فارغ از این مناسبات مالی با دولت‌های غربی در این مسیر حرکت می‌کند بیشتر به شخصی می‌ماند که در دل آزوی دست زدن به کشتاری جمعی و خرابی‌ریزی بی‌پایانی برای برآورده‌کردن منافع سیاسی مشخصی دارد. انسانی که برای او ارزش انسان‌های دیگر به اعتبار موقعیتی تعریف می‌شود که در مناسبات سیاسی دارند. چنین شخصی به خطرناک‌ترین مکانیسم‌های انسان‌زدایی مجهز است؛ چیزی به‌مراتب خطرناک‌تر از آنچه دل‌دادگان نازیم با تکیه بر آن عمل می‌کردند.

این اصلاً عجیب نیست که مکانیسم‌های خشونت‌آمیز انسان‌زدایی عموماً در میان طرفداران لیبرال دموکراسی‌های غربی پیدا می‌شوند. در لیبرالیسم انسان پیش‌تر از محتوای حقیقی و انضمامی تھی تود و به‌موجودی انتزاعی تبدیل شده، یعنی برای کسی که از بیماری لیبرالیسم رنج می‌برد، انسان پیش‌تر به نفع ایده فدر تھی و منزوی متأثر از منافعی که مقل آزاری برای بیشینه‌کردن رضایت فردی‌اش تعریف کرده و به‌محاق رفته است و از آنجا که انسان بریده از واقعیات زندگی روزمره و عناصر بنیادین هویت جمعی در مقام یک عدد، تنها در محاسبات پیش‌بینی‌پذیر ریاضیاتی می‌تواند حضور معناداری داشته باشد. به‌شدت تحت اقتیاد قواعدی ریاضی‌گونه قرار دارد که جایگاه معناداری برای هستی تھی و خالی از معنا شده او به‌دست می‌دهند. این انسان قریبی نمی‌کند که در مقدم پیشوا باشد یا در محضر «سلاح‌های زبیبی آمریکایی»، تنها نظاره‌گر و تأییدکننده معاملات است که از پیش برای او نوشته‌اند. انسان لیبرال موجودی به‌غایت تحت اقتیاد است. او نمی‌تواند جایی در بیرون از معادلاتی که بر زندگی‌اش حاکم هستند چیزی را ببیند. تنها تلاش می‌کند به خوبی و مطابق قواعد ریاضی‌گونه‌ای که به هستی از معنا تھی شده او معنا می‌دهند، جای مشخصی داشته باشد و همواره نگران است مبادا زیبایی نظم ریاضی‌گونه‌ای را ببیاشوید که معادلات حاکم بر زندگی او از پیش برایش تعریف کرده‌اند.

اینها دلالت‌ها و اهمیت‌های فلسطین و مساله آن برای ما هستند. برای ما در مقام مردم که بدون توجه به وابستگی‌های سیاسی یا ایدئولوژیک در زندگی هرروزه خودمان زندگی می‌کنیم. دلالت‌های این‌نگران‌کننده از انسان‌هایی که مدعی آینده خیالی یا واقعی ایران هستند. دعای پرسروصدایی که ما را به خود دعوت می‌کنند؛ دعای پر سروصدایی درباره انسان، حقوق بشر، حق بر سرنوشت و چیزهایی مثل اینکه حق تفسیر همه آنها را از ما سلب کرده و می‌توانند به‌راحتی چشمان‌شان را بر مرگ انسان‌ها، ولو به نام ایده تھی واز معنا خالی انسان ببینند. سیاهپوستی‌را می‌مانند با ماسک‌های سفید در خدمت اربابان سفیدپوستی که وظیفه شلاق زدن بر دیگران را برعهده گرفته‌اند تا ارباب سفیدپوست‌شان در سدر کمتری برای به‌انقیاد درآوردن و به سامان کردن دیگران متحمل شود و اگر از من می‌پرسید، اینها درد‌نشان‌های بیماری خطرناکی هستند که در جایی در کناره تاریخ در انتظار انسان ایرانی است؛ بیماری دردناکی که بدن تحیف انسان ایرانی را به شکلی جدی به‌مخاطره انداخته است.